

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کرده در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۶۸ چهارشنبه ۳۰ بهمن ۱۳۹۸، ۱۹ فوریه ۲۰۲۰

www.kurdistanmedia.com



با تحریم فعال انتخابات
فرمایشی، جنبش ...

۷



۴۱ سال در گروگان

۶



سومین فصل در روابط
درون قدرتی ...

۵



مصطفی هجری: نابودی
جمهوری اسلامی ...

۴

بایکوت

رساترین فریاد است

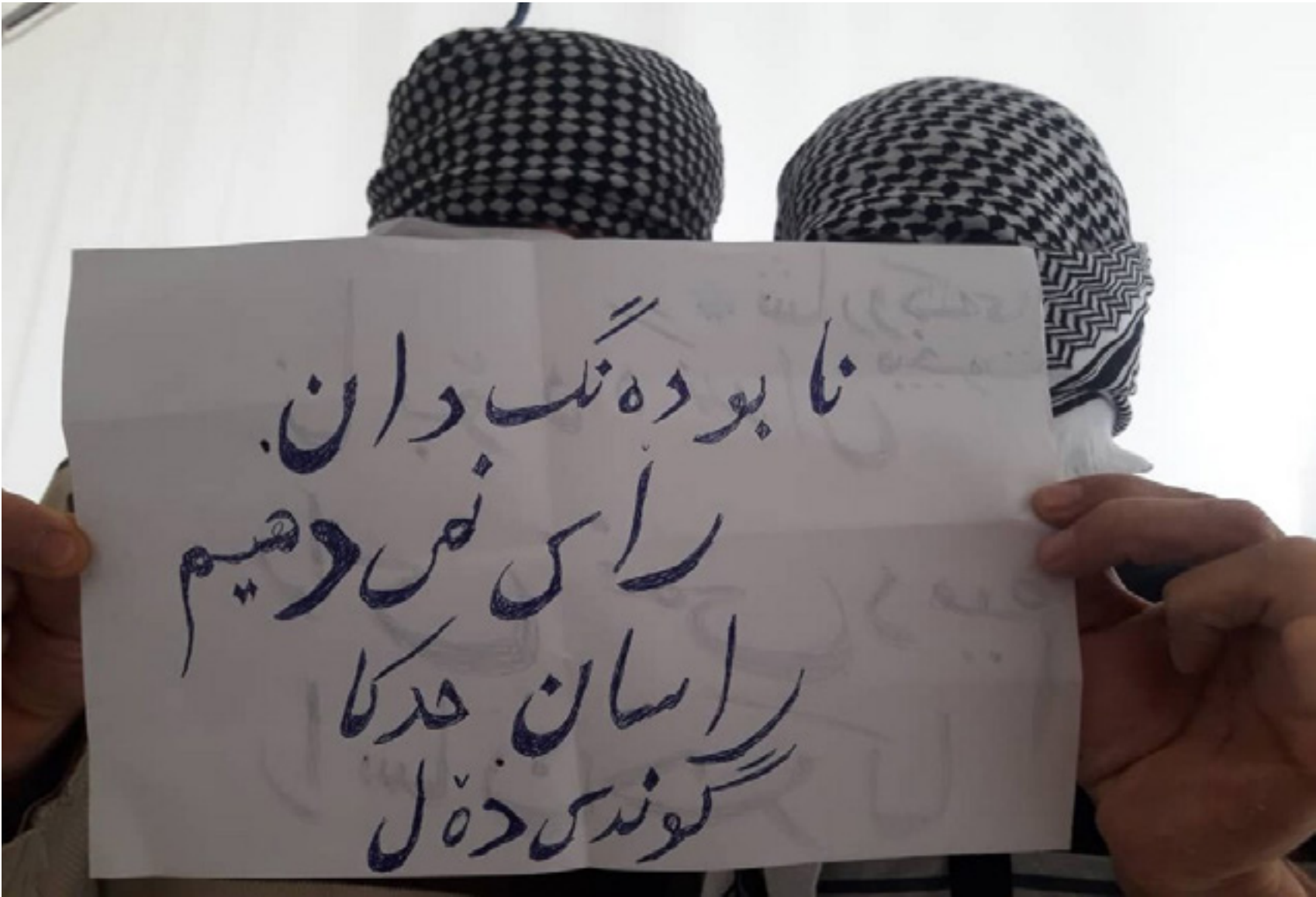


شناسه‌ی هستی

کریم پرویزی

اگر در تلاش برای به بردگی گرفتن شخصی هستید و با آسمیلاسیون، از وی برای منفعت زندگی خود استفاده نمایید، با استفاده از قدرت وی را تسلیم اراده خویش نمایید. این قانون رایج قرن‌های گذشته بوده و در عصر معاصر علاوه بر قدرت و نیرو، پول و سرمایه نیز به وسیله‌ای برای به بردگی گرفتن و آسمیلاسیون مردم مبدل گشته است. اما اگر درصدد هستیت تا شخصی را به قناعت رسانده تا به اختیار خویش بردگی را انتخاب نماید و تا پایان عمر خود با نهایت آرزو برده شما باشد، فکر وی را اشغال نمایید! این رمز بردگی همیشگی می‌باشد تا شخصی به خواست خویش و بدون هیچ اعتراضی تسلیم اراده شخص دیگری گردد و اکثر اوقات نیز به بردگی خویش افتخار نموده و سینه سپر کرده که چنین اربابی دارم! بردگی نوع نخست، بردگی به ناچار و اجباری بوده که هر زمان قدرت استعمارگر تضعیف گشت، برده شورش کرده یا اگر نان و حقوق برده کم شد، اعتراض می‌کند. یا اگر وضعیت به گونه‌ای باشد که فرصتی برای برده مهیا گردد، علیه زنجیرهای دست و پای خویش شورش کرده و درصدد نابودی ستمکار برخواید. اما بردگی نوع دوم، بردگی عمیق‌تر بوده و با فکر و اعتقاد خویش به بردگی خود ایمان آورده و هیچ بعد دیگری جز ارباب — رعیتی نمی‌بیند و با دست خود زنجیرهای بردگی را بر گردن خویش محکم می‌نماید. بردگی نوع سوم هم وجود دارد که از دو نوع قبلی عمیق‌تر بوده و آن هم اشغال هویت و تغییر زبان است. زبان وسیله تفکر و مکانیزم فعال‌سازی مغز و بینایی چشم و شنوایی گوش و حس درک جهان است، که مغز از این طریق با جهان اطراف آشنا شده و وجود خویش را تعریف می‌نماید. زبان تنها عبارتی از چند آوا و حرف و قانون اتصال کلمات و صف بستن جملات نیست، بلکه بافت مغز و فکر و اندیشه است و لذا در زبان‌های مختلف جهان به شکل دیگری

ادامه در صفحه ۳



از احساس مذهبی، لهجه‌ای و عشیرتی نمی‌تواند بدان گونه که رژیم آن را مهندسی کرده مردم را به پای صندوق‌های رای بکشاند؛ نخستین پیامد آن در جریان فراری دادن و به دروغ انداختن کاندیداها و به آتش کشیدن بنر و پوسترهای آنان مشاهده می‌گردد. مسلم است که رژیم در بحبوحه بقا و نابودی قرار گرفته و برای استمرار عمر نکبت بار خود به خون تازه نیاز دارد؛ همانگونه که خامنه‌ای در سال ۹۴ بصورت رسمی اعلام کرد که خون تازه پای صندوق‌های رای به بدنه نظام تزریق می‌شود؛ لذا وظیفه اخلاقی و انقلابی هر فرد است که با شرکت نکردن در نمایشی که محصول آن تزریق خون و عمر تازه به رژیم است؛ برای نابود و سقوط حکومتی تلاش کند که ۴۱ سال خون آنان را می‌ممکد و از آنان استفاده ابزاری می‌کند.

نیز که رژیم این واقعیت را درک کرده که دیگر نمی‌تواند با جنگ زرگری و در مقابل هم قرار دادن به اصطلاح اصلاح‌طلب و اصولگرا کلاه بر سر مردم بگذارند(!) در تلاش برای یکدست کردن قدرت با همه بعدها و در چهارچوبی که حنای اصلاح‌طلب دیگر رنگی ندارد، آنهایی را که در پروسه "رد صلاحیت" کنار زده و پاسدارهای مزدور قابل اعتماد حکومت جماران را تایید کرده تا هم‌طراز با دولت رسمی و غیر رسمی، تلاش بیشتری نمایند تا سیاست‌های ولایت فقیه را پیاده نمایند. در کوردستان نیز همانگونه که انتظار می‌رفت، مردم آگاهانه با این وضعیت برخورد می‌کنند و همانند دوره‌های قبلی و بیشتر از قبل نیز گزینه "بایکوت" را علم کرده تا همصدا با احزاب کوردستان و مرکز همکاری احزاب، محکم‌تر از قبل به رژیم اشغالگر "نه" بگویند. این بار فریب سواستفاده

اوج بی‌آبرویی خطاب به مردم می‌گوید: " اگر از من متنفرد بخاطر "ایران" بیایید و رای بدهید". پان از راه آخوندهای مزدور خویش فریاد می‌زنند که شرکت در "انتخابات" وظیفه‌ای شرعی است! اما باز مشاهده می‌کنیم که مردم به ستوه آمده‌اند، نه تنها به وعده و وعیدهای بی‌اساس و حتی بیشتر از آن، به تهدیدات آنان توجهی نمی‌کنند، بلکه مداوم به همدیگر گوشزد می‌کنند که شرکت در این نمایش رژیم به معنای مشروعیت بخشیدن به قدرتی است که آنان را می‌کشد، غارتشان می‌کند و سطح رفاه زندگی آنان را هم‌طراز کشورهای عقب افتاده آورده است؛ برای همین آشکارا و بدون هیچ ترسی در شهرها بنر و پوسترهای به اصطلاح کاندیداها را پاره و به آتش می‌کشند. زیرا خوب می‌دانند که آنچه در ایران برگزار می‌گردد انتخابات نیست بلکه تلاشی برای جمع آوری آرا می‌باشد. اینک

در سطح منطقه‌ای نیز آنچه رژیم در طول ۴۱ سال گذشته بر روی آن سرمایه‌گذاری کرده تا بتواند انقلاب اسلامی را صادر نماید با شکستی معنایی و وجودی روبرو گشته و در بین ملیت‌های منطقه نیز شکوه پوشالی و خیالی‌اش در هم شکسته و مشروعیتی ندارد که در تلاش بوده تحت نام دفاع از ستمدیدگان و آیین به آن برسد؛ در داخل نیز مردم به رژیم استعمارگر جمهوری اسلامی اعتمادی ندارند و از هر فرصتی که برایشان میسر گردد صدای اعتراض و نارضایتی خویش را بلند می‌نمایند. مجموعه این مسائل نیز چنان نموده که رژیم در سطح بالای قدرت احساس خطر کند؛ بویژه زمانی که مردم در خیابان بدون توجه به گلوله و سرکوب به مقدمات رژیم حمله می‌کنند و آن را با تغییرات معنایی روبرو می‌نماید. بر همین اساس است که مشاهده می‌کنیم که ولی فقیه رژیم در

دوم اسفند ماه امسال دوره‌ای دیگر از نمایش به اصطلاح انتخابات مجلس شورای اسلامی در ایران برگزار می‌گردد؛ این دوره از انتخابات رژیم از چند بعد متفاوت است که این تفاوت‌ها چنان کرده است که جمهوری اسلامی در بین بحبوحه بقا و نابودی قرار بگیرد. وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در ایران به مرور متشنج‌تر و پرمخاطره‌تر و بحرانی‌تر می‌گردد؛ بحران‌ها نه تنها مرتفع نگشته‌اند بلکه مداوم زیاده‌تر و امروزی‌تر می‌گردند. این نیز چنان کرده که سیستم سیاسی در ایران نه تنها نتواند راهی برای مرتفع سازی آن بیابد بلکه خود نیز به یکی از عوامل بحران مبدل گردد. در سطح بین‌المللی نیز جمهوری اسلامی تحت فشاری بی‌سابقه قرار دارد که بارزترین پیامدهای آن فشارهای سیاسی، دیپلماتیک و اقتصادی بر رژیم و سپس بر مردم ساکن ایران است؛

مسئول اجرایی حزب دمکرات

به مناسبت ۲۲ بهمن

پیامی تویتری منتشر نمود



سرنوشت خود باشد. در آستانه ۲۲ بهمن، سالروز پایان دیکتاتوری شاهنشاهی، درود می‌فرستیم به

همه آنانی که در راه آزادی و دمکراسی تلاش کرده‌اند، به امید پایان توتالیتاریسم دینی.

مصطفی هجری" مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران، به مناسبت ۲۲ بهمن پیامی تویتری را منتشر کرد.

متن این پیام بدین شرح است: حزب دمکرات کوردستان ایران از ابتدای سرکار آمدن جمهوری اسلامی، این رژیم را نپذیرفته و مبارزات خود را در راستای دمکراسی ادامه داده است، مبارزه‌ای که سابقه ۷۴ ساله دارد. دمکراسی‌ای که در آن حقوق فردی و گروهی محفوظ بوده و ملت کورد همچون دیگر ملت‌های ایران، صاحب کرامت و حاکم

سمیناری سیاسی از سوی

نیروی پیشمه‌رگه کوردستان

در کوه‌های کوردستان برگزار گردید



روزهای جمعه و شنبه مورخ ۱۸ و ۱۹ بهمن‌ماه، بخش آموزشی-سیاسی نیروی پیشمرگه کوردستان، در کوه‌های کوردستان سمیناری تحت عنوان "انقلاب و انقلاب گری" برگزار کرد. این سمینار درآستانه به تاراج‌بردن انقلاب ایران برای آزادی در مقر پیشمه‌رگه‌های مستقر در کوه‌های کوردستان برگزار شد. برگزارکنندگان این سمینار آقایان "زیباز پروازه" کادر آموزشی نیروی ۱۱۵، "ناصر فتحی" کادر آموزشی نیروی ۱۲۲ و "فاروق سهرابی" پیشمرگه نیروی ۲۲بودند. بخش اول سیمینار در خصوص "مفهوم و نوع انقلاب" از سوی "زیباز پروازه" ارائه شد. وی به طور کلی از ترمینولوژی واژه انقلاب سخن گفت. ایشان در ادامه سخنان خود در رابطه با انقلاب و زمینه‌های رویداد و تغییرات در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، فکری، علمی، ارتباطی، اطلاعاتی، اختراعات و تکنولوژی دیدگاه‌های خود را بیان کرد. وی افزود، انقلاب و دگرگونی‌های انقلاب تغییراتی ناگهانی هستند که سریع روی می‌دهند. همچنین انواع انقلاب را از دیدگاه افراطی‌گرایانه تجزیه و تحلیل نمود و مصداق انقلاب‌های را متذکر شد که بسیاری از آنها خشونت‌آمیز بوده‌اند و در مقابل نمونه انقلاب‌هایی را مثال زد که

عاری از خشونت بودند. محور دوم این سمینار در رابطه با انقلاب در تاریخ ایران بود که از سوی "فاروق سهرابی" مورد بحث قرار گرفت. وی مفهوم انقلاب و ویژگی‌های انقلاب در ایران را تفسیر نمود. سهرابی در آغاز بحث خود اظهار داشت که فرهنگ تغییر قدرت در ایران در تمامیت خود نسبت به انقلاب‌های دیگر متفاوت بوده است. تغییر قدرت در ایران یک نوع بی اخلاقی سیاسی را در خود داشته است و عمیقا پر بوده است از خیانت و هیچ گاه تنوری یا فکری مشخص نبوده و یا جایگزینی مشخص نداشته است. وی همچنین بیان داشت که واگذاری قدرت به جای آنکه طریقی مسالمت‌آمیز انجام پذیرد راهی خشونت آمیز را پیموده است و قدرت تغییر از مردم سلب شده است. سهرابی در ادامه این سمینار انقلاب مشروطه سال ۱۹۰۷ ایران را مورد تحلیل قرار داد. وی همچنین پاسخ این پرسش‌ها را داد که آیا این انقلاب در اساس انقلاب بوده است؟ چه کسانی طرفدار یا مخالف این انقلاب بوده‌اند؟ وی در ادامه محور سخنان خود بیان داشت که در انقلاب مشروطه برای نخستین بار راه برای سیستمی مدرن باز شد. فاکتورهای مذهبی ـ آیینی در تاریخ انقلاب‌های ایران را مورد تحلیل قرار داد که مذهب

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران به مناسبت ۲۲ بهمن ماه، سالگرد انقلاب ملیت‌های ایران پیامی را منتشر نمود.

متن این پیام بدین شرح است:

هم میهنان گرامی ملیت‌های آزادیخواه ایران مردم مبارز و حق طلب کورد انقلاب بهمن ۱۳۵۷ خورشیدی، خروش اعتراضات انباشته شدهی ملیت‌های ایران علیه دیکتاتوری سلطنتی خاندان پهلوی و تداوم فرایند مبارزه برای تحقق آزادی، دمکراسی و رهایی از چنگ دیکتاتوری بود. در خلال بیش از یکصد سال گذشته و با فراگیر شدن ارزشهای انسانی همچون آزادی، برابری و دمکراسی در سرتاسر جهان، ملیت‌های ایران با به راه انداختن چندین جنبش و انقلاب بزرگ، مبارزات و فداکاری‌های کم نظیری برای تثبیت این ارزشهای بشری و رهایی از چنگ رژیم‌های دیکتاتوری و زمامداران مستبد حاکم بر سرنوشت خویش انجام داده‌اند، لیکن متأسفانه تمامی این تلاش‌ها، مبارزات و فداکاری‌ها تاکنون نتوانسته‌اند اهداف والای انقلاب ملیت‌های ایران در بهمن ماه ۱۳۵۷ و چندین جنبش و قیام دیگر در این کشور را برآورده نماید و آزادی، دمکراسی، برابری و سایر حقوق ملیت‌های ایران از سوی عده‌ای زمامدار مستبد دارای افکار شوینیستی، ارتجاعی و دیکتاتوری مصادره شد و ثمرهی خونهای ریخته‌شده و مبارزات هزاران انسان مبارز و آزادیخواه قربانی توطئه‌های پلید سردمداران دو رژیم سلطنتی و جمهوری اسلامی گردید. انقلاب سال ۵۷ ملیت‌های ایران که نقطه‌ی اوج پیروزی آن در ۲۲ بهمن ماه بود، انفجار آتشفشان اعتراضات ملیت‌های تحت ستم ایران در مقابل ظلم و دیکتاتوری خانوادگی پهلوی بود، از همین رو، هدف این مردم بپاخاسته نمی توانست موضوعاتی بجز تحقق آزادی، دمکراسی و برابری باشد. لیکن متأسفانه در میانه‌ی راه انقلاب، خمینی و همفکرانش با نقشه‌ای دقیق و هدفمند، فقدان یک رهبری دمکراتیک منسجم و یک آلترناتیو قدرتمند حامل اهداف و ارزش‌های راستین انقلاب

را مغتنم شمرده و هژمونی و سيطره‌ی سیاه خویش را بر انقلابی تحمیل نمودند که ثمری رنج‌ها و مبارزات خستگی ناپذیر مردم و تمامی اقشار و طبقات رنج کشیده‌ی جامعه‌ی ایران بود. شخصیت خمینی به عنوان رهبر و بنیانگذار این رژیم و تاراج کننده‌ی ارزش‌ها و آرمان‌های والای انقلاب ۱۳۵۷، آیینی‌ی تمام نمای ایدئولوژی و اهداف ضد بشری سیستم ولایت فقیه و نماد کینه‌توزی و ارتجاع حاملان این اندیشه‌ی شوم بود که برای ملیت‌های ایران پیام آور مرگ و فلاکت و جا ماندن از قافله‌ی پیشرفت و تمدن روز بوده است. از همین رو، طی بیش از چهار دهه زمامداری این رژیم، حافظه‌ی تاریخی تمامی ملیت‌های ایران به‌ویژه ملت کورد مالا مال از حوادث و رویدادهای تلخی همچون یورش وحشیانه به کوردستان، اهواز، بلوچستان، ترکمن صحرا، حمله به سفارتخانه‌ها، تروریسم دولتی در داخل و خارج از کشور، کشتارهای دسته‌جمعی علیه غیر نظامیان و زندانیان سیاسی، کشتار دگراندیشان، ویرانگری و فتنه‌انگیزی در کشورهای منطقه، جنگ ویرانگر ۸ ساله، سرقت و غارت سرمایه‌های عمومی کشور، فساد گسترده، فقر، بیکاری، تصفیه‌ی فرهنگی و آسیمیلیسیون، انزوا در جامعه‌ی بین المللی، سرکوب و قلع و قمع و تبعیض سیستماتیک، ستم و استثمار ملی و جنسی و طبقاتی، توهین به شخصیت و کرامت زن، ترویج فرهنگ مرگ اندیشی، محاصره‌ی اقتصادی و گرانی و فقدان منبع درآمد، تخریب محیط زیست و دهها گونه آسیب‌های اجتماعی و خفقان سیاسی طاقت فرسا شده است. این تنها گوشه‌ای از دستاوردهای این رژیم آزادی ستیز برای تمامی ملیت‌های ایران به‌ویژه ملت کورد بوده است. در تمامی این سالها مردم کوردستان همواره در صف مقدم مبارزه برای تحقق آزادی، برابری و حقوق ملی خویش همچون دژی تسخیرناپذیر در برابر امواج سرکوب و دیکتاتوری و اشغالگری زمامداران تهران ایستاده و بیشترین قربانی را در سنگر مبارزه برای به زانو درآوردن رژیم، به پیشگاه آزادی و

کوردستان

پیام مرکز همکاری

احزاب کوردستان ایران

به مناسبت ۲۲ ی بهمن



ناوه‌ندی هاوکاری حیزبه‌کانی کوردستانی ئێران
Cooperation Center of Iranian Kurdistan's Political Parties.
مرکز همکاری احزاب کردستان ایران

حاکمیت ملی تقدیم نموده‌اند. در چند سال اخیر تداوم سیاست‌های رژیم به اندازه‌ای عرصه را بر تمامی اقشار و طبقات جامعه‌ی ایران تنگ نموده که دیگر با اطمینان می‌توان گفت که مبارزه برای سرنگونی رژیم و کنار نهادن ایدئولوژی قرون وسطایی آن تبدیل به خواست تمامی ملیت‌های ایران شده و شعارهای تظاهرکنندگان آبان ماه خونین و دیماه امسال بیانگر این واقعیت هستند که رژیم در ذهنیت و باور مردم سرنگون شده و هیچ مشروعیت و چشم انداز بقایی برای آن متصور نیست. چهل و یک سال پس از این انقلاب، پافشاری مردم بر آرمانهای به تاراج رفته‌ی انقلاب بیانگر آن است که انقلاب به کجراهه‌ی انحراف کشانده شده و نتوانسته است که به اهداف راستین خویش نائل گردد و در حقیقت مبارزه برای تحقق این اهداف با شور و حرارت روزافزونی همچنان ادامه دارد. مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران در آستانه‌ی ۲۲ بهمن ماه، چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب ملیت‌های ایران علیه دیکتاتوری پهلوی، یک بار دیگر شعارها و اهداف برحق و دمکراتیک برآمده از این انقلاب یعنی آزادی، دمکراسی، برابری و حقوق ملی ملیت‌های ایران را به همگان یادآور شده و بر این حقیقت تاکید می نماید که تا هنگام تحقق این اهداف، مبارزه و پیکار بی امان کلیه‌ی ملیت‌های ایران به ویژه جنبش و مردم کوردستان برای تحقق آنها استمرار خواهد یافت و دوشادوش نیروهای سیاسی و ترقیخواه سرتاسر ایران به مبارزه در راه تحقق این اهداف والا ادامه خواهیم داد.

پیروز باد مبارزات ملیت‌های ایران علیه دیکتاتوری و ظلم و ارتجاع

پیروز باد مبارزات حق طلبانه‌ی ملت کورد در راه تحقق آرمان‌های سیاسی و ملی

سرنگون باد رژیم ارتجاعی واپسگرای جمهوری اسلامی

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران

۲۱ بهمن ماه ۱۳۹۸ خورشیدی

۱۰ فوریه‌ی ۲۰۲۰ میلادی

سمیناری در فرانسه با هدف گرامیداشت یادبود دکتر قاسملو برگزار شد



روزنامه‌نگار و دکتر "فلورانس وبر" مسئول پیشین سازمان پزشکی "آمی"، به معنی یاری دهنده پزشکان بین المللی. قابل ذکر است حسن شرفی معاون اول مسئول اجرایی حزب دمکرات در حاشیه این کنفرانس با چندین شخصیت خارجی، کورد و ایرانی دیدار کرد.

ادامه سخن

دیده می‌شود. فرهنگ جغرافیای زبان انگلیسی با فرهنگ فرانسوی اختلاف فراوانی دارد و زمانی که با زبان فارسی حرف می‌زنید، حس دیگری دارید و زمانی که به زبان کوردی سخن می‌گویید، جهان را به شکل دیگری می‌بینید. اگر بردگی فکری بر شخصی مستولی شود، هرچند بردگی‌ای ریشه‌دار بوده و احتمال بیداری شخص اندک است، اما ممکن است با گذشت زمان و تغییر وضعیت، فکر شخص برده به آگاهی برسد و علیه زنجیرهای ساختگی مغز خویش شورش نماید. اما اگر زبان شخصی را اشغال ننماید، وسیله آگاهی را از وی سلب نموده‌اید. لذا بردگی در سطح اشغالگری زبان، بردگی‌ای گردن کلفت‌تر و عمیق‌تر است که استعمارگری همراه با افراط گرایی درصدد نابودی زبان ملیت‌های زیردست بوده تا زبان خود را وارد مغزها نماید. در حقیقت افراط گرایی مسیطر، در تلاش برای نابودی شناسه‌ی هستی ملیت‌هاست تا هویتی ساختگی بر آنان قالب نماید، تا برای همیشه آنان را به بردگی بگیری. زبان کوردی را محفوظ می‌داریم و شکوفا می‌نماییم، زیرا زبان مادری هویت وجودیمان است و برای همین به هر شکل ممکن از این هویتمان دفاع می‌نماییم.

مسئول اجرایی و مسئول شورای سیاست‌گذاری حزب دمکرات کوردستان ایران ارائه گردید، آغاز شد. این سمینار با حضور شخصیت‌های دیگر نظیر "احمد اسکندری" مسئول سابق دفتر ماموستا شیخ عزیزالدین حسینی، "عبدالله مهتدی" دبیرکل حزب کومله زحمتکشان کوردستان ایران، "مسعود تک" دبیرکل سابق حزب سوسیالیست ترکیه، "عزیز ماملی" نماینده سابق حزب در فرانسه و "ملا محمد جوانزویی" یکی از فرمانده‌های سابق نیروی پیشم‌رگه و عضو رهبری حزب شیوعی کوردستان و همچنین خانم "فاتوش" همسر هنرمند بزرگ کورد، ایلماز گونای، برگزار شد. قابل ذکر است که پیام مسئول اجرایی حزب، مبحث کاملی از حزب دمکرات کوردستان ایران، همچنین وضعیت آن زمان و کنونی ایران و نقش موثر دکتر قاسملو را در خود گنجانده بود. بخش سوم این سمینار که برای شخصیت‌های ایرانی تعیین شده بود، از سوی دکتر "حمید بز ارسلان" استاد دانشگاه برگزار شد که این شخصیت‌ها عبارت بودند از "هدایت متین دفتری"، موسس جبهه ملی دموکراتیک ایران، "رضا دقتی" فتوگرافست و "عبدالکریم لاهیجی" وکیل و فعال حقوق بشر. بخش چهارم این سمینار که به شخصیت‌های خارجی اختصاص داده شده بود از سوی دکتر "کندال زنان" برگزار شد. این شخصیت‌ها عبارت بودند از: "ژرار شالیان" نویسنده و کارشناس ژئوپلیتیک، "آلن شائل" مسئول پیشین دبیرخانه بین‌المللی حزب سوسیالیست فرانسه، "آلن فرشن" روزنامه نویس "موند"، "برنار کونشر" وزیر پیشین امور خارجه فرانسه، "مارک کرویتز" روزنامه‌نگار، "کارل پرون هویر" نویسنده کتاب بیوگرافی دکتر قاسملو، "جانتان راندال"

دوشنبه ۱۷ فوریه، در یکی از تالارهای مجلس سنای فرانسه، سمیناری به مناسبت گرامیداشت رهبر نامی کورد "دکتر قاسملو" و یارانش، توسط انستیتوی کورد برگزار شد. انستیتوی کورد در فرانسه با هدف گرامی داشتن یادبود رهبر کاریزماتیک کورد که در ۱۳ ژوئیه سال ۱۹۸۹ میلادی در وین به دست دیپلمات تروریست‌های جمهوری اسلامی ایران بر سر میز مذاکره به شهادت رسیدند، سمینار باشکوهی برگزار نمود. این مراسم در تالار "میدسی" و متشکل از چهار پانل، ساعت ۱۰ صبح به وقت اروپا و ۱۲ ظهر به وقت کوردستان در مجلس سنای فرانسه آغاز شد. پانل نخست که از سوی خانم "جویس بلو" ارائه گردید، به اعضا و آشنایان و دوستان نزدیک دکتر قاسملو اختصاص یافت، که عبارت بودند از مینا قاسملو دختر دکتر قاسملو، امیر قاضی، عبدالله حسن‌زاده، عدنان مفتی رئیس اسبق پارلمان حکومت اقلیم کوردستان عراق، عبدالله عزت پور پسرعموی دکتر قاسملو که پیام وی از سوی خسرو عبداللهی قرائت شد، دکتر حسن شتوی خواهرزاده دکتر قاسملو و همچنین فیلمی از مهدی خان‌بابا تهرانی که بخش گردید. پانل دوم ساعت ۱۴:۳۰ بعدازظهر به وقت اروپا و ۱۶:۳۰ عصر به وقت کوردستان آغاز شد، در ابتدا فیلمی در مورد وضعیت سال‌های گذشته مبارزات حزب دمکرات کوردستان ایران پخش شد، این پانل که برای حزب و جریانات سیاسی کوردستان و همچنین چندین شخصیت کورد اختصاص یافته بود از سوی سناتور "ریمی فیرو" برگزار شد. این پانل با قرائت پیام مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران، "مصطفی هجری" که از سوی "حسن شرفی" جانشین نخست

شرکت هیئت‌های روابط عمومی حزب دمکرات در سالروز تاسیس کومله



ایران و "احمد سلیمانی"، کادر روابط عمومی حزب در سلیمانیه، در مراسم پنجاهمین سالید تاسیس کومله کوردستان ایران شرکت نموده و پیام تبریک حزب دمکرات را به رهبری و اعضای کومله تقدیم نمود. همزمان دو هیئت دیگر به سرپرستی "کمال فرخی"، کادر ارکان روابط عمومی حزب دمکرات کوردستان

جمعه، ۲۵ بهمن ماه، هیئتی از روابط عمومی حزب دمکرات کوردستان ایران در مراسم پنجاهمین سالروز تاسیس کومله شرکت نموده و پیام تبریک حزب را تقدیم رهبری کومله کردند. در همین ارتباط، هیئتی حزب دمکرات به سرپرستی "اسماعیل رحمانی"، مسئول روابط عمومی

ارگان آموزش و تحقیقات حزب دمکرات یک دوره دیگر سیاسی را به اتمام رساند



یافتن راه‌حل متناسب برای بعد از سقوط جمهوری اسلامی ایران و تامین حقوق همه ملیت‌های ایران بیشتر گردد. نسبت به وظایف کورد در کوردستان ایران و حزب دمکرات در مرحله کنونی مبارزات اعلام کرد که ضروری است که حزب دمکرات بیشتر از قبل به مبارزات خویش ادامه دهد و خود را برای آینده و تغییرات و برای هر احتمالی آماده نماید. بعد از سخنان "لقمان مهفر"، پیام ارگان آموزش و تحقیقات حزب دمکرات از سوی "عبید مرادی" از پرسنل این ارگان و سپس پیام شرکت کنندگان دوره از سوی "محمد نوباری" قرائت گردید. بخش پایانی مراسم به اهدای جوایز به نفات برتر اختصاص یافت که عبارتند از: "سامان سیداحمدی"، "حسام سلیمانی" و "طاهر رحیمی‌زاده"، که جوایز خویش را از "لقمان مهفر" دریافت کردند.

جمهوری کوردستان و ملت کورد خدمتی ارائه دهند و همچنین از برگزاری دوره‌های کادری در دهه ۳۰ به همت "دکتر قاسملو" سخن گفت. نامبرده همچنین گفت که بعد از پیروزی انقلاب ملیت‌های ایران و آغاز مبارزات آشکارای حزب، حزب دمکرات ده‌ها مرحله کادری را در سطوح مختلف برگزار نمود و این را از نشانه‌های اهمیت قائل شدن حزب دمکرات به مسئله آموزش دانست. نسبت به مسئله کورد "مهفر" اعتقاد داشت که کورد در هر چهار بخش کوردستان باید بیشتر به اتحاد اهمیت دهند و اختلافات را پررنگ نکنند و حس همکاری در بین همه احزاب و جریانات سیاسی هر چهار بخش کوردستان قوی‌تر گردد. همچنین در مورد کوردستان ایران نامبرده تاکید کرد که باید همکاری با اپوزیسیون سراسری ایران بر مبنای دمکراسی و سازش و

روز دوشنبه، ۲۱ بهمن ماه، ارگان ارگان آموزش و تحقیقات حزب دمکرات طی برگزاری مراسمی، یکی دیگر از مراحل آموزش خود را به پایان رسانید. این مراسم با سرود ملی "ای رقیب" و یک دقیقه سکوت به احترام روح پاک شهدای کورد و کوردستان آغاز شد. سپس "لقمان مهفر" عضو هیئت اجرایی شورای سیاست گذاری حزب دمکرات سخنانی را خطاب به شرکت کنندگان دوره ایراد نمود. "مهفر" در آغاز سخنانش ضمن تبریک به شرکت کنندگان دوره، در مورد اهمیت آموزش در حزب دمکرات سخنانی را پیشکش نمود. نامبرده همچنین اعلام داشت که حزب دمکرات از آغاز تاسیس و در زمان جمهوری کوردستان اهمیت فراوانی برای آموزش قائل بوده و با فرستادن جمعی از اعضای حزب به باکو آذربایجان سعی نموده تا کادر با تجربه پرورش دهد که بتوانند به

کوردستان

مصطفی هجری:

نابودی جمهوری اسلامی ایران

ورود بشریت به دوران صلح و آرامش در خاورمیانه

مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران، پیامی را تقدیم کنفرانس بزرگداشت دکتر قاسملو در پاریس نمود. این کنفرانس با حضور شخصیت‌های سیاسی، آکادمیک و ژورنالیست برگزار شد.

پیام مصطفی هجری، مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران به کنفرانس بزرگداشت دکتر قاسملو در پاریس

در واپسین سال‌های دهه‌ی ۶۰ میلادی، هنگامی که دکتر قاسملو از اروپا به میان رفقای حزبی در کوردستان عراق بازگشت، بجز عده معدودی از اعضای حزب، در این بخش از کوردستان کسی در صفوف حزب باقی نمانده بود. شمار چشمگیری از اعضای رهبری حزب در جریان جنبش مسلحانه سال‌های ۱۹۶۷- ۱۹۶۸ و ایستادگی در برابر نیروهای رژیم شاه در داخل کوردستان ایران به شهادت رسیده بودند، شمار دیگری نیز در زیر فشار سیاسی و امنیتی شدیدی که در کوردستان عراق با آن روبه‌رو بودند، با برخی معضلات تشکیلاتی و سازمانی دست به گریبان بودند و توانایی و امکان تماس تشکیلاتی با داخل کوردستان ایران به نازل‌ترین سطح خود رسیده بود. مشکل دیگر نیز آن بود که ارتباطی به مفهوم تشکیلاتی آن میان این افراد وجود نداشت. در مدت کوتاهی، بازگشت دکتر قاسملو و روش مدیریت ایشان، سیمای نوینی به حزب دمکرات بخشید. نوع نگرش، توانایی و آشنایی ایشان با کار تشکیلاتی و سازماندهی باعث شده بود که بتواند بسیاری از کسانی را که به هر علتی از حزب دمکرات دور شده بودند، مجدداً سازمان داده و تشکیلات منظم‌تری به وجود بیاورد، روزنامه‌ای که ناشر افکار و اندیشه‌های حزب دمکرات باشد، مجدداً چاپ و منتشر نماید و روابط حزب را به گونه‌ای مدرن و امروزی سروسامان دهد. مهمترین گام دکتر قاسملو در آن زمان، تدوین برنامه و اساسنامه‌ی داخلی حزب به گونه‌ای مدرن و امروزی بود. از اینجا بود که چگونگی برگزاری جلسات حزبی از قبیل کنفرانس و کنگره، تدوین سیاست‌های کلی، تاکتیک و استراتژی و سایر موضوعات مربوط به امور حزبی به گونه‌ای امروزی تدوین و در کنفرانس سوم حزب به تصویب رسید. از آن زمان تا هنگام شهادتش به دست دیپلمات تروریست‌های جمهوری اسلامی ایران در ۱۳ ژوئیه۱۹۸۹ میلادی، دکتر قاسملو تمام توان خود را صرف تقویت حزب دمکرات کوردستان ایران در تمامی زمینه‌ها نمود از جمله امور

مربوط به پیشمرگه، سازماندهی و توان حزب. به ویژه روابط حزب با کشورهای منطقه و غرب را بر بنیان‌های فکری و سیاسی مستحکمی استوار نمود. بر همین مبنا بود که تعریفی مشخص و دیدگاهی روشن درباره‌ی موضوع دوستی، منافع، هم‌پیمانی، استقلال سیاسی و اصول برقراری روابط حزب با احزاب، جریانات و کشورها ارائه نمود. دکتر قاسملو در برهه‌ی جنگ سرد و معادلات جهان دوقطبی، دارای جهان‌بینی مختص به خویش بود. وسعت نظر و ارزیابی دقیق و همه‌جانبه از متن تعارضات و کشمکش‌ها و روند حوادث، ویژگی منحصر به فرد این رهبر بزرگ بود. احیای حزب دمکرات کردستان ایران در این مقطع و قدرت گرفتن مجدد آن در حقیقت مرهون لیاقت، دانش و توانایی دکتر قاسملو در زمینه‌ی مدیریت، سازماندهی و رهبری بود. دکتر قاسملو چه به عنوان یک اندیشمند سیاسی، چه به عنوان یک شخصیت آکادمیک، چه به عنوان یک رهبر و کاراکتر ملی و چه به عنوان دبیرکل حزب دمکرات به علت برخورداری از همین ویژگی‌ها یک سازمانده توانمند و استثنایی بود. از این زاویه، هنگامی که شخصیت دکتر قاسملو را به عنوان یک سازمانده بررسی می‌کنیم، بایستی چند نکته‌ی مهم را مورد توجه قرار دهیم: دکتر قاسملو نه تنها در سطح حزب متبوعش یک رهبر و سازمانده میدانی تمام عیار بود، بلکه در دایره‌ای وسیع‌تر و در سطح کوردستان و در میان اپوزیسیون ایرانی نیز این جنبه از شخصیت ایشان به وضوح دیده می‌شود. همان گونه که اشاره شد، دکتر قاسملو به عنوان یک متفکر، آشنایی کاملی با جریانات فکری و نظریه‌های تأثیرگذار در سطح بین‌المللی داشت و منازعات و رقابت‌های موجود در آن زمان را کاملاً زیر نظر داشت. یکی از اقدامات ارزشمندی که به منظور ترسیم یک مرزبندی سیاسی دقیق انجام داد، تدوین سیمای دمکرات بود. دکتر قاسملو بندهای مختلف سیمای دمکرات را به عنوان اصول عضویت در حزب به گونه‌ای تدوین نمود که به اندیشه، عمل و رفتار افراد معنا ببخشد. ایشان معتقد بود که دمکرات از وابستگی بیزار است، دمکرات ناسیونالیست تنگ‌نظر نیست، دمکرات برای رفع ستم ملی مبارزه می‌کند، دمکرات به رسالت تاریخی حزب دمکرات کوردستان ایران پایبند است. با مروری بر محتوا و متن سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و اظهارات دکتر قاسملو درمی‌یابیم که نوع سازماندهی دکتر قاسملو بر محور گفتمانی دمکراتیک،

انقلابی و همزمان نوگرایانه استوار بود که برابند آن می‌بایستی آموزش کادرها، پیشمرگه‌ها، اعضا و هواداران حزیش باشد. معنای وسیع‌تر این آموزش این بود که تلاش همه‌جانبه‌ای به عمل می‌آورد تا جنبش ملی کورد در کوردستان ایران از بستر دمکراتیک خود خارج نشده و سیمای دمکراتیک جنبش محفوظ بماند. در سطح کوردستانی دکتر قاسملو بر این باور بود که تمامی احزاب و جریانات سیاسی کوردستان در قبال مسئله‌ی ملی مسئولیت مشترکی بر عهده دارند، و این همان دیدگاهی اخلاقی به معنای تعهد به اصول مبارزاتی برحق ملت کرد بود. علاوه بر عرصه گفتمانی، میدان عمل دکتر قاسملو نیز بیانگر سیاست واقع‌بینانه و سیمای عملگرای ایشان بود. از این منظر که وی همواره در اندیشه‌ی ایجاد ائتلاف و اتحادی از نیروهای مخالف جمهوری اسلامی بود. دکتر قاسملو کوشش بسیاری به خرج داد تا در بین سازمان‌های اپوزیسیون ایرانی که طی سال‌هایی که در داخل ایران حضور داشتند و هنوز هدف سیاست سرکوبگرانه‌ی رژیم قرار نگرفته بودند، اتحاد و ائتلافی ایجاد نماید. بدین منظور با بسیاری از آنان تماس گرفت و زمینه را مهیا نمود تا حزب دمکرات در مهاباد آنان را گرد هم آورد و با پلاتفورم معینی آن‌ها را برای مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی سازمان دهد. لیکن رژیم که از این تلاش‌ها مطلع بود، شهر مهاباد را مورد حمله قرار داد. حزب دمکرات نیز برای آن که اهالی شهر کشته نشوند، تصمیم گرفت نیروهای پیشمرگه را از شهر خارج نماید. در نتیجه نیروهای رژیم مهاباد را اشغال نمودند و بدین‌گونه اجازه ندادند این نشست برگزار شود. بعدها نیز حتی هنگام سفرهایش به اروپا از هر فرصتی برای ایجاد اتحاد و ائتلاف میان نیروهای اپوزیسیون ایرانی استفاده می‌کرد تا اینکه سرانجام شورای ملی مقاومت در خارج از کشور تشکیل شد، این شورا از برخی جریانات، شخصیت‌ها و سازمان‌های اپوزیسیون ایرانی تشکیل شده بود، از جمله مجاهدین خلق و ابوالحسن بنی‌صدر که از ریاست جمهوری خلع شده و خود را به پاریس رسانده بود. حزب دمکرات کوردستان ایران نیز از اعضای مؤثر این شورا بود، اما متأسفانه این ائتلاف نیز به علت برخی مشکلات داخلی از جمله خودمحوری و رفتار غیر دمکراتیک سازمان مجاهدین پس از چند سال از هم فرو پاشید. دکتر قاسملوو به همان میزان که در مبارزه با جمهوری اسلامی

جدی و قاطع بود، به حل مسالمت‌آمیز مسئله‌ی کورد نیز معتقد بود. در این رابطه و در بیستم آبان ماه ۱۳۵۸ خورشیدی، با کوشش دکتر قاسملو و مشارکت برخی از احزاب مخالف رژیم، هیئتی تحت عنوان هیئت نمایندگی خلق کورد، در مهاباد تشکیل شد. این هیأت نمایندگان شماری از احزاب کورد و غیر کورد را در بر می‌گرفت که مشترکاً به مذاکره با رژیم پرداختند. مذاکرات چندین ماه ادامه داشت. طی این مدت، چند بار نمایندگان هیأت حکومت دیدارهایی با هیأت نمایندگی خلق کورد که دکتر قاسملو سخنگوی آن بود، برگزار نمودند، ولی رژیم در این مدت بسیار ریاکارانه از وضعیت آتشریس و مذاکره به سود خود استفاده نمود و با سازماندهی مجدد نیروهای پراکنده‌ی خود، حملات خود را به شهر مهاباد و سایر مناطق تحت کنترل نیروهای پیشمرگه از سر گرفت. پس از چند سال رژیم که ذاتاً مخالف ارزش‌ها و مفاهیمی بود که دکتر قاسملو به آنها اعتقاد داشت، یک بار دیگر از صلح‌طلبی دکتر قاسملو سوء استفاده نمود و تحت پوشش مذاکره، توطئه‌ی ترور فیزیکی وی را طراحی نمود و وی را به همراه عبدالله قادری آذر، عضو کمیته‌ی مرکزی و مسئول دفتر نمایندگی حزب در پاریس، در ۱۳ژوئیه‌ی ۱۹۸۹ میلادی به شهادت رساند. در حقیقت دکتر قاسملو چنان میراث فکری و سیاسی گرانبهایی از خود به جای گذاشت که برای ما در حزب دمکرات و برای جنبش ملی دمکراتیک کوردستان ایران سرمایه و سمبلی جاودانه محسوب می‌شود. یادآور می‌شوم که دکتر قاسملو در مقاله‌ای تحت عنوان "تروریسم از نگاهی متفاوت" که برای کنفرانس "ترور و اخلاق انسانی" نوشته بود که در مورخه‌ی ۱۶ دسامبر ۱۹۸۶ اینجا (در پاریس) برگزار شد، دیدگاه خود را در رابطه با تروریسم و مقابله با آن مطرح نموده بود. از دیدگاه دکتر قاسملو، تروریسم اگر به معنای هدف گرفتن زندگی آزادانه و مردم بی‌گناه باشد، حزب دمکرات به دلیل پایبندی به اصول اعتقادی خود آن را رد می‌کند و در مقابل آن می‌ایستد. به باور دکتر قاسملو، ارزیابی و تعریف غربی‌ها از تروریسم نسنجیده است و همین امر نیز مبارزه با این پدیده را دشوار می‌سازد. پیشنهاد دکتر قاسملو به غربی‌ها این بود که: زمان آن رسیده است که این تفاوت‌ها را کنار بگذارید و ارزش‌های زندگی بشری را در خاورمیانه دریابید، زیرا نمی‌توانید صرفاً به فکر امنیت و منافع خودتان باشید. ایشان معتقد بود

که از لحاظ سیاسی و اخلاقی بایستی از جنبش‌هایی که به ترور روی نمی‌آورند، حمایت کنند و این خود راهی برای مقابله با تروریسم است. اکنون نیز که ۳۰ سال از ترور دکتر قاسملو سپری می‌شود، ترور فلسفه‌ی وجودی و غیر قابل تغییر و عملاً نیز یکی از سیاست‌های رسمی جمهوری اسلامی محسوب می‌شود. در حقیقت ترور به معنای وسیع آن بخشی از عرف سیاسی و بنیان عقیدتی این رژیم است. اگر دکتر قاسملو معتقد بود که دشمن شماره یک تروریسم، دمکراسی است ،در مقابل دیدگان همگی شما جمهوری اسلامی نیز حامی و بازیگر شماره یک تروریسم در جهان است. تروریسم جمهوری اسلامی نه تنها امنیت و هویت ملیت‌های ایران و زندگی فعالان و مبارزان اپوزیسیون خود را هدف قرار داده، بلکه سال‌هاست مرزها را درنورده است. این رژیم یک شبکه‌ی گسترده‌ی تروریستی را در سرتاسر کشورهای منطقه و حتی در غرب ایجاد نموده است. آنچه در عراق، یمن، سوریه، لبنان و سایر مناطق خاورمیانه مشاهده می‌شود خروجی همین سیاست است. رژیم با به راه انداختن جنگ نیابتی و فرقه‌ای و تشکیل و تجهیز ده‌ها سازمان و نیروی شبه‌نظامی، امنیت و آسایش منطقه را مختل نموده است. طی چند سال اخیر در هر کدام از این کشورها ده‌ها و صدها هزار تن قربانی شده و میلیون‌ها تن نیز آوارگی کشورهای دیگر شده‌اند. بنابراین این رویکرد رژیم، هزینه‌های امنیتی، سیاسی و انسانی سنگینی را برای منطقه در پی داشته و زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی این کشورها را عملاً متلاشی نموده است. آنچه که به عنوان سیاست منطقه‌ای ایران مشاهده می‌شود، تداوم سیاست این رژیم در داخل کشور است. اکنون جمهوری اسلامی غیر از توسل به سرکوب، هیچ راه حلی برای بحران‌های انباشته‌شده ندارد. هیچ گونه تعدد جناحی و گفتمانی که بتواند رژیم را از این بن‌بست خارج کند، وجود نداشته و مجموعاً امتحان خود را پس داده‌اند. خیزش اعتراضی ملیت‌های مختلف ایران بیانگر همین بن‌بست است. دست کم در چند سال گذشته چندین موج اعتراض و خیزش علیه رژیم به راه افتاده و از زبان مقامات رژیم به زلزله‌ی سیاسی تشبیه شده، اما با توسل به نیروی سرکوب موقتاً خاموش شده است. طی همیندو سه ماه اخیر بر اساس اطلاعات میدانی و موثق، بیش از ۱۵۰۰ نفر از تظاهرکنندگان کشته شده و هزاران نفر زخمی یا روانه‌ی زندان‌ها شده‌اند و موج دستگیری و سریه‌نیست کردن همچنان ادامه دارد. همزمان در آن

سوی مرزها و در عراق نیز اعتراضات عمومی مردم این کشور که به منظور ابراز ناراضایتی علیه حکومت خودشان و سیاست مداخله‌گرانه‌ی جمهوری اسلامی در کشورشان سر برآورده، توسط شبه‌نظامیان وابسته به رژیم تهران سرکوب شده و به همان سرنوشت مردم پیاخسته ایران دچار شده است. با این که ماهیت ضد بشری جمهوری اسلامی برای همگان آشکار شده، باز هم اولویت دادن به منافع باعث شده است که برخی از کشورهای غربی این واقعیت را نادیده بگیرند. در همان حال که می‌کوشند تا راهکاری برای نجات رژیم از فشار تحریم‌های آمریکا بیابند، رژیم در خود همین کشورها سرگرم توطئه‌های تروریستی است. در این برهه حساس که اجماعی علیه سیاست منطقه‌ای رژیم شکل گرفته و ملیت‌های ایران علیه آن پیاخسته‌اند، تشکیل یک ائتلاف جهانی علیه این رژیم ضرورتی تاریخی است. همان گونه که ائتلاف بین‌المللی علیه داعش شکل گرفت، لازم است که ائتلاف قدرتمندی نیز علیه تروریسم دولتی رژیم ایران ایجاد شود و به مبارزه مردم پیاخسته‌ی ایران برای در هم پیچیدن تومار عمر این رژیم یاری برساند. بدون تردید، تنها با نابودی جمهوری اسلامی ایران است که می‌توان ورود بشریت به دوران صلح و آرامش در خاورمیانه را خوشامد گفت. اکنون زمان مناسبی است برای آن که دولت اتریش پرونده ترور دکتر قاسملو در وین را به جریان انداخته و بدین ترتیب از یک سو اقدام غیرقانونی و غیر اخلاقی بازگرداندن بدون محاکمه‌ی تروریست‌های ایرانی عامل این جنایت را به تهران، جبران نماید. این امر از یک سو یکی از خواست‌های عمده ملت کورد به ویژه حزب دمکرات کوردستان ایران است و از سوی دیگر منجر به افزایش فشارها بر رژیم جمهوری اسلامی خواهد شد. یاد دکتر قاسملو نیز همانند تمامی مبارزانی که در راه آزادی و عشق به زندگی و تأمین حقوق ملی و دمکراتیکشان قربانی تروریسم دولتی جمهوری اسلامی شدند، گرامی و جاودانه باد. از جانب رهبری حزب دمکرات کوردستان ایران، حزب دکتر قاسملو، مراتب سپاسگزاری خود را تقدیم به انستیتوی کورد در پاریس به ویژه دکتر کندال نزان می‌کنیم که این مراسم یادبود را برگزار نمودند. از شما دوستان و همفکران دکتر قاسملو نیز به خاطر حضورتان در اینجا سپاسگزارم.

سومین فصل در روابط درون قدرتی جمهوری اسلامی

آگری اسماعیل‌نژاد

(نگاهی به انتخابات مجلس ۹۸) انتخابات مجلس ۱۳۹۸ آغاز فصلی نو در روابط درونی جمهوری اسلامی است، در این انتخابات در عمل دو بخش از رژیم که در افکار عمومی به عنوان اصولگرا و اصلاح‌طلب خوانده می‌شوند، از صحنه بازی‌های درون رژیمی حذف شده و عملاً آنها نیز به حلقه غیرخودی اضافه شدند. در فصل سوم مهم‌ترین مسئله بازی‌های درون حلقه قدرت نیست، بلکه بحران‌هایی است که خارج از حلقه قدرت وجود دارند و می‌توانند امکان متلاشی شدن حلقه قدرت و سقوط رژیم را افزایش دهند. برای ورود به بحث لازم می‌دانم موضوع را از این سوال آغاز کنم، آغاز فصلی نو در روابط درون رژیمی جمهوری اسلامی به چه معنا است؟!

جمهوری اسلامی در ۴۱ سال گذشته دو فصل متفاوت را از سرگذارنده است، از لحاظ کرنولوژی فصل اول از فروردین ۱۳۵۸ آغاز و در خرداد ۱۳۷۶ پایان می‌یابد و فصل دوم هم از خرداد ۱۳۷۶ تا دی ماه ۱۳۹۶ بوده و سردادن شعار "اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا" نقطه پایان فصل دوم است. فصل اول در واقع فصل تثبیت جمهوری اسلامی بود، سرکوب، اعدام، زندان، کشتار، جنگ داخلی، جنگ ایران و عراق و حذف فیزیکی نیروهای خودی از مشخصات این فصل است. در این فصل حلقه خودی‌های درون رژیمی قوام کامل گرفت، مهم‌ترین بازیگر و در واقع تنها بازیگر این فصل خود خمینی بود، او هم عامل در حذف مخالفین، کشتار، اعدام و سرکوب آنها بود و هم در تعیین اینکه چه کسی در حلقه خودی‌های باشد، دست

بالای داشت، و در واقع تنها فردی بود که افراد درون حلقه خودی‌ها را تعیین می‌کرد. مرگ خمینی انسجام حلقه خودی‌ها که ساختار قدرت را تشکیل می‌دادند، با چالش روبرو کرد؛ پس از مرگ خمینی پراکندگی قدرت در درون حلقه خودی‌ها روی داد، در حلقه جدید نه سازمان و نهادی و نه فردی دیگر نمی‌توانست تمرکز قدرت را ایجاد کند و به عنوان عمود خیمه رفتار کند؛ چون در عمل خامنه‌ای از مشروعیت خمینی نه در بین طرفداران و نه در بین عوامل حلقه قدرت برخوردار نبود، دیگر افراد هم مانند خامنه‌ای تنها می‌توانستند بخشی از حلقه و طرفداران را با خود همراه کنند، اما آنها با مشکلی دیگر روبرو بودند و از طرف خود خامنه‌ای هم تهدید می‌شوند، چون خامنه‌ای از لحاظ قانونی بالاترین قدرت در ساختار رژیم است. اما حلقه قدرت در جمهوری اسلامی پس از مرگ خمینی خطر سقوط یا از دست دادن قدرت را پشت سر گذاشته بود. آنها در واقع در داخل ایران دشمن بزرگی نداشتند، اما در پی



کسب دو هدف نیز بودند:

یک: حذف سران مخالف که در خارج از ایران بودند، تا بدین شکل از استحکام نظام خود مطمئن باشند.

دو: کسب مشروعیت از مجامع بین‌المللی

نکته مهم این است که جمهوری اسلامی هر دو هدف را کسب

بود، آنها در این دادگاه مسئله "تئوریسم دولتی" و "رژیم وحشت" را در مورد جمهوری اسلامی مطرح کردند، اما علی‌رغم این مسئله در عمل این رژیم وحشت را تحمل کردند و روابط اقتصادی، سیاسی و امنیتی وسیعی را با آن برقرار کردند. فصل دوم و رفتار جمهوری اسلامی از جنبه روابط درون رژیمی اهمیت دارد، از آنجا

رژیمی کاربرد داشته است، نه در بازی‌های برون رژیمی و نه در تعیین رفتار حکومت با مردم. جدا از موضوعات بالا در این فصل یکی از مهم‌ترین حذف‌ها، حذف گروه‌هایی است که مدعی کسب قدرت خصوصاً در بین اصولگراها هستند، بزرگترین اتفاق در این زمینه، به حاشیه راندن خانواده لاریجانی‌های از

اول: مرگ علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، به عنوان آخرین مرجع قدرت حلقه درون رژیمی که توانای رقابت با خامنه‌ای را داشت.

دو: اعتراضات دیماه ۱۳۹۶ که از لحاظ پایگاه اجتماعی و سیاسی متفاوت از اعتراضات دو دهه گذشته بود و از جنبه مطالباتی نیز مطالبات بسیار متفاوتی از

در بازی درون رژیمی خامنه‌ای که مناصب انتصابی درون حکومتی را در دست داشت، از این مناصبها در راستای حذف گروه رقیب استفاده می‌کرد، که مهم‌ترین آنها حذف هاشمی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲، تعیین نتیجه انتخابات سال ۸۸ و ۸۴ به نفع خود و تعیین حد و حدود برای مجلس و قوه مقننه بود.

حلقه قدرت است مسئله دیگری هم هست و آن اینکه در بازی درون رژیمی خامنه‌ای که مناصب انتصابی درون حکومتی را در دست داشت، از این مناصبها در راستای حذف گروه رقیب استفاده می‌کرد، که مهم‌ترین آنها حذف هاشمی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲، تعیین نتیجه انتخابات سال ۸۸ و ۸۴ به نفع خود و تعیین حدودود برای مجلس و قوه مقننه بود. در واقع خامنه‌ای با این رفتار، از یک قاعده درون رژیمی که در راستای ماندگاری حلقه خودی‌ها طراحی شده بود، پیروی نمی‌کرد و مرحله به مرحله اقتدار خود را از بین حلقه خودی‌های جمهوری اسلامی بیشتر و بیشتر می‌کرد. این رفتار خامنه‌ای مسبب آن شد که اختلافات درون حلقه خودی‌ها به شکاف تبدیل شود. پایان این فصل با دو رویداد مهم همراه بود:

که جمهوری اسلامی در حلقه خودی‌ها دچار چند مرجعی قدرت شده بود، و حداقل سه مرجع قدرت که عبارتند از خانواده خمینی، علی‌اکبری هاشمی رفسنجانی و علی خامنه‌ای در ساختار حلقه خودی‌ها پس از خمینی حضور داشتند، تعدد در مراجع قدرت ساختار این حلقه به نوعی آشفتگی دچار شده بود که امکان حذف در آن با توجه به دوره کمتر شده بود، در فصل اول جمهوری اسلامی به آسانی توانسته بود، حتی حسین علی منتظری، قائم مقام رهبری را حذف کند. بر پایه حرف‌های مهدی هاشمی، فرزند علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی ظاهراً مراجع قدرت در درون حلقه خودی‌های جمهوری اسلامی "رای مردم" را به مبنای برای میزان حضور خود در قدرت تبدیل کرده بودند^۱؛ در اینجا یک تبیین لازم است و آن این است که "رای مردم" در بازی‌های درون

اعتراضات قبل را مطرح کرده بود، در واقع اعتراضات دیماه آغاز دوره‌ای از اعتراضات بود که بعنوان اعتراضات خارج از گفتمان رژیم می‌توان تلقی کرد. یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در واقع آغاز فصلی نو در روابط درون قدرتی جمهوری اسلامی است، این فصل با محوریت علی خامنه‌ای شکل می‌گیرد و هدف اصلی خامنه‌ای از این فصل ماندگاری قدرت در خانواده او پس از مرگ خامنه‌ای است. فصل جدید از لحاظ اختلافات درون گروهی سد خاصی در بر ندارد و خامنه‌ای تقریباً تمامی مخالفان جدی خود را یا حذف کرده یا به حاشیه رانده است، اما این تمام مسئله نیست بزرگترین بحران‌های فصل جدید بحران‌های خارج رژیمی است که از این بحران‌ها می‌توان به مهم‌ترین آنها اشاره کرد:

یک: فساد ساختاری

دو: بحران در سیاست بین‌المللی

سه: ابر بحران چند وجهی اقتصادی و مالی

چهار: از دست دادن سرمایه اجتماعی

پنج: کشیدگی سیاسی در ساختار اقتصادی، دینی و سیاسی ایران در پی حضور و ایجاد جنگ‌های نیابتی در کشورهای اسلامی

شش: ابر بحران زیست محیطی و ورشکستگی آب در ایران

هفت: ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی

هشت: بحران حاشیه نشینی

باتوجه به این بحران‌های خامنه‌ای در فصل جدید و برای ایجاد هنجارهای جدید جهت تعیین بازی درون قدرتی ناچار است، سپاه پاسداران را به عنوان حلقه خودی قبول کند، چون در شرایط کنونی مجموعه بحران‌های داخلی و خارجی رژیم را باز به مقطع سقوط کشانده است و در شرایط کنونی سپاه بعنوان تنها اهرم سرکوب مردم در واقع تنها راهی است که خامنه‌ای می‌تواند حلقه خودی‌های خود را از بحران‌های خارج حلقه‌ای مصون دارد. در این فصل یکی از مهم‌ترین حذف‌ها، حذف گروه‌هایی است که مدعی کسب قدرت خصوصاً در بین اصولگراها هستند، بزرگترین اتفاق در این زمینه، به حاشیه راندن خانواده لاریجانی‌های از حلقه قدرت

است، چون این احتمال داشت آنها پس از مرگ خامنه‌ای به یک مرجع قدرت در حلقه خودی‌های جمهوری اسلامی تبدیل شود و به سدی در برابر خانواده خامنه‌ای تبدیل گردد. انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی از لحاظ بازی‌های بین حلقه خودی‌ها اهمیت فراوان دارد، در این مرحله در ساختار رژیم تنها سپاه پاسداران و خانواده خامنه‌ای در حلقه خودی جمهوری اسلامی مانداند، و بقای گروه‌های دیگر حذف یا به حاشیه رانده شده‌اند، باتوجه به بحران‌های داخلی و

خارجی جمهوری اسلامی پس از انتخابات انتظار آن می‌رود، تنش درون رژیمی افزایش پیدا کند و اختلافات در محوریت غیرخودی‌های جدید با خودی‌های کنونی خواهد بود. در دیدگاه من هرچند خامنه‌ای در شرایط کنونی در درون حلقه قدرت از هیچ رقیبی برخوردار نیست، اما باتوجه به بحران‌های داخلی در ایران و نیز بحران‌های بین‌المللی و چون در تمامی این بحران‌ها و همچنین در قوام گرفتن حلقه خودی‌های جدید فاکتور زمان بسیار تاثیرگذار است، امکان اینکه این فصل بتواند در بطن روابط درون رژیمی تحقق پیدا کند، بسیار بسیار کم است. بر اساس این خوانش می‌توان گفت تلاش خامنه‌ای برای تحقق فصل جدید در روابط درون رژیمی را به عنوان فرصتی برای ایجاد شیب تندتر در سقوط تلقی می‌کنم.

منبع

<https://bit.ly/3bEDLd7>

۴۱ سال در گروگان

متحجرانه‌شان رنگ داده و در این ۴۱ سال بدن عمل کرده‌اند. با نگاهی هر چند سطحی به قانون اساسی که یکی از پر ابهام‌ترین و ضد و نقیض‌ترین متون نگاشته شده در عصر حاضر است، جنبه‌های پوپولیستی و اغراق‌آمیزی و غیرعلمی بودن آن به چشم می‌خورد. متونی که با الهام از اندیشه‌های ایدئولوژیک و ستنی خود و با محوریت فاشیسم ملی و فاندمنتالیزم مذهبی وزنه سنگینی را به پای توسعه‌ی سیاسی و به تبع آن توسعه اقتصادی انداخته و آنچه را که ما در طی ۴۱ سال از حاکمیت استبداد دینی از سقوط و انحطاط همه ارزشهای انسانی و مفاهیم و اصول مدرن شاهد آن هستیم سبب گشته است. پیداست جامعه‌ای که در آن همه حوزه‌های سیاسی-اقتصادی و اجتماعی و ... در گروگان مبانی ایدئولوژیک عده‌ای بیگانه با مفاهیم و ساختارهای مدرن امروزی باشد نتیجه‌ای جز آنچه را امروزه شاهد آن هستیم به ارمغان نخواهد آورد.



بود. لذا کاملاً واضح و اظهارمن الشمس است که از دل چنین افکار قبیله‌ای و قرون وسطایی، به شیوه‌ای طبیعی آنچه را دیدیم و می‌بینم و خواهم دید زاده شوند. قبیله تازه به دوران رسیده که پیش از این یکی از حامیان و دستیاران پروپاقرص پادشاهی بود در حرکتی عجولانه و عوام

امر مسلمین نیز خود را نماینده تام‌الاختیار خدا قلمداد می‌کرد، اگر زیاده خواهی‌های شاه در توهم استقرار امپراطوری عظیم شاهنشاهی تیلور می‌یافت از این سو خواب نحیف شیخ در خصوص احیای امپراطوری اسلامی البته از نوع شیعه اثناعشری آن گوی سبقت از سلاطین صفوی ربوده

احزاب مترقی و آزادیخواه) راهی به مراتب ایدئولوژیک‌زده‌تر از رژیم سابق خود را به عنوان نقشه راه آینده خود ترسیم و در پیمودن آن تا به امروز که ۴۱ سال از آن می‌گذرد بدون انعطاف و قاطعانه یک‌ه تازی می‌نماید. اگر شاهنشاه آریا مهر خود را سایه خدا در زمین می‌پنداشت از این سو ولی

خالد درویش

۴۱سال پیش و در بحبوحه انقلابهای دهه ۶۰ میلادی که به گفته‌ی اریک هابسبام دوران به چالش کشیدن حاکمیت‌های مستبد و دستنشاندی استعمار جهانی بود ملت‌های ساکن جغرافیای سیاسی ایران بعد از مدتها مبارزه با رژیم مستبد پهلوی آستین همت جهت به تاریخ سپردن نظام پادشاهی بالا زدند و در ۲۲ بهمن ۵۷ با پیروزی انقلاب با شکوه ملت‌های ایران مارش نابودی رژیمی که با انسداد سیاسی راه هرگونه پیشرفت و توسعه سیاسی و اقتصادی را بسته بود به صدا در آوردند. اگر چه می‌بایست حاکمیت بعد از شاه راهپایی جدا از آنچه را که سلطنت در پیش گرفته و منجر به انحطاط سیاسی و اقتصادی جامعه شده بود در پیش می‌گرفت، در حرکتی غیر منتظره(البته از دیدگاه گروه‌ها،

"همبستگی برای آزادی و برابری در ایران" نمایش انتخابات را تحریم کرد

به افزایش خطر جنگ و تشدید تحریم‌های اقتصادی انجامیده است، اعلام کنید.

نیروه‌های آزادیخواه و دمکرات!

شرایط کنونی جامعه ایران و نارضایتی عمیق مردم از وضعیت کشور و این حکومت این امکان را فراهم کرده است که با تلاش اپوزیسیون دمکرات و آزادیخواه بتوان عدم شرکت در انتخابات فرمایشی را به یک جنبش عمومی تبدیل کرده و آن را به خیزش آبان ماه گذشته پیوند زد و این فرصت مناسبی است برای یک قیام گسترده و هماهنگ و مشترک در این عرصه با بهره گیری از همه امکانات؛ فعال کردن شبکه‌های اجتماعی، اعلامیه، تراکت، سخنرانی و .. مردم را به عدم شرکت درانتخابات و خالی گذاشتن صندوق‌های رای دعوت کنیم.

"همبستگی برای آزادی و برابری در ایران"

جمعه ۲۵ بهمن ۱۳۹۸

۱۴ فوریه ۲۰۲۰

احزاب و سازمانهای تشکیل دهنده: **کومه‌له زحمتکشان کوردستان، شورای موقت سوسیالیستهای چپ ایران، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، حزب مردم بلوچستان، حزب کومه‌له کوردستان ایران، حزب دمکرات کوردستان، حزب دمکرات کوردستان ایران، حزب تضامن دمکراتیک اهواز، جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران، اتحاد دمکراتیک آذربایجان - بیرلیک**

هم میهنان گرامی!

همبستگی برای آزادی و برابری در ایران معتقد است، که در یک جامعه آزاد، حکومت‌ها تابع رای مردم و پاسخگو به مردم هستند. در کشور ما همواره این حکومت‌ها بوده‌اند که بر بالای سر صندوق‌ها ایستاده‌اند و با کنترل بر آن‌ها، رای مردم را نادیده گرفته‌اند. در جمهوری اسلامی با لغو حق عمومی انتخاب شدن و محدود نمودن آن به وابستگان به قدرت، عملاً امکان دخالت آراء مردم در تحولات سیاسی محدود و محدودتر شده و دست آخر در جریان این انتخابات شاهدیم که چگونه به یک مضحکه انتخابات فرمایشی تبدیل شده است. با تحریم این نمایش انتخابات و عدم حضور در پای صندوق‌های رای، اجازه ندهیم که جمهوری اسلامی باری دیگر رای مردم را در انتظار جهانیان، خرج مشروعیت بخشیدن به نظام استبدادی خود کند و در داخل کشور از آن برای ارعاب و فریبکاری استفاده نماید. خلوت نگه‌داشتن حوزه‌های رای گیری و خالی گذاشتن صندوق‌های رای، به سود آزادی، به سود حاکمیت مردم و در جهت تشدید مبارزه علیه استبداد حاکم و تقویت جنبش‌های اجتماعی و جنبش اعتراضی سراسری و به زیان استبداد حاکم است. با عدم شرکت در این انتخابات فرمایشی، اعتراض خود را علیه عدم کارایی، فساد، رکود اقتصادی، تورم، بیکاری، فقر فزاینده، اختناق و سرکوب، علیه سیاست خارجی ماجراجویانه و تنش‌زا که

بزرگ پیشرفت جامعه ایران حاکمیت نظامی غیر مردمی و به شدت فاسد به نام جمهوری اسلامی است. در جمهوری اسلامی انتخابات و تأثیرگذاری آن بر آینده زندگی مردم بیشتر جنبه شعاری، فرمایشی و نمایشی دارد و نقش اساسی در ماهیت دولت و کارکرد آن ندارد.

هموطنان گرامی!

قانون اساسی جمهوری اسلامی رسماً امکان حضور دگراندیشان سیاسی - اجتماعی و مخالفان نظام اسلامی در انتخابات را منتفی ساخته است. سهم همه نیروهای سکولار و دمکرات و چپ ایران در طول حیات جمهوری اسلامی سرکوب، زندان، شکنجه، اعدام و تبعید بوده است. اما نظام جمهوری اسلامی تنها به حذف مخالفان پسند نکرده است، سیاست حذف مخالفان و معترضان، حتی شامل بسیاری از نیروهای درونی خود رژیم نیز شده است. با وخامت اوضاع اقتصادی و اجتماعی و مشکلات کار و معیشت که دم به دم شدیدتر می شود، گذران زندگی روزمره و تامین حداقل نیازهای آن به مشغله ذهنی عمده توده‌ها تبدیل شده است. در واقع، با توجه به ماهیت عملکرد و سیاست‌های جاری خود رژیم، اکثریت مردم به روشنی دریافته‌اند که در صورت تداوم این بساط، عملاً هیچ بهبودی در زندگی امروز و فردای آنان ممکن و میسر نیست و از این رو نیز غالباً از نمایش های ادواری آن همچون انتخابات نمایشی هم رویگردان شده‌اند.



رقابت جناح‌های درون حکومت برای حضور در نهادهایی مثل مجلس و ریاست‌جمهوری وجود داشته است. اما اکنون سالها است که دامنه این رقابت‌ها، زیر تیغ نظارت استصوابی شورای نگهبان، محدودتر شده و دخالت در انتخابات و فرمایشی کردن کامل آن، اکنون به روال عادی انتخابات تبدیل شده است. جمهوری اسلامی به رای مردم باور ندارد و تنها می‌کوشد تا با نمایشی از مشارکت مردم به رژیم خود مشروعیت بخشد. برای حکومت اسلامی فقط جنبه تبلیغاتی مشارکت مردم مهم است و نه نتیجه انتخابات، چرا که نتیجه را خود از پیش و به صورت کنترل شده، هدایت می کند. براین پایه مشکل امروز جامعه ایران با تعویض نمایندگان مجلس حل نمی‌شود، بلکه مشکل بنیادی و ساختاری است و تنها با نفی حکومت دینی و سلسله مراتب قدرت دولتی و کل نظام غیر مردمی جمهوری اسلامی است که می‌توان بر مشکلات عبودیه در ایران فائق آمد. برای بهبود وضع سیاسی - اقتصادی جامعه باید کلیت این نظام پوسیده و فاسد کنار رود. بنابراین سد

بازنشستگان و ... نشان از بحران عمیق درون جامعه ایران و ناتوانی این حکومت در پاسخگویی به خواسته‌های مردم دارد. در چهل و یک سال گذشته به تدریج نقش سیاسی مردم درجمهوری اسلامی کاهش داشته و قدرت‌گیری سیاسی - نظامی و اقتصادی ولی فقیه و مریدانش در قدرت دولتی، تقسیم درآمدهای نفتی و ثروت اجتماعی به سمت جناح‌های قدرت رفته رفته بیشتر شده و فقر در بین اکثریت جامعه گسترش یافته است. در کنار سیاست رانتی دولت، اگر تحریم‌های خارجی را هم اضافه کنیم به فلاکت باری وضع موجود در ایران می رسیم. اکثریت مردم در فقری اسیرند که نظام جمهوری اسلامی مسبب اصلی آن است. انتخابات در جمهوری اسلامی از ابتدا تا کنون غیر آزاد و گرینشی بوده است. یعنی تا کنون حق انتخاب شدن، حق سخن گفتن، حق نوشتن و انتشار آن، حق داشتن روزنامه و نشریه، حق فعالیت احزاب سیاسی و نهادهای مدنی، حق استفاده برابر از رسانه‌های عمومی برای مخالفان حکومت، وجود نداشته است. در این انتخابات حداکثر، امکان

"همبستگی برای آزادی و برابری در ایران" در بیانیه‌ای نمایش انتخابات را بایکوت کرد و آن را مضحکه‌ای به نام "انتخابات" قلمداد کرد.متن این بیانیه بدین شرح است: مضحکه‌ای به نام "انتخابات"لرآی ما نه به جمهوری اسلامی است لیازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی روز دوم اسفند برگزار خواهد شد. این انتخابات در شرایطی برگزار می‌شود که کشور در یک بحران عمیق اقتصادی و سیاسی به سر برده و حکومت بیش از هر زمان دیگری با نارضایتی مردم روبرو است. در چند سال گذشته جامعه با تلاطمات بسیاری روبرو شده است، تظاهرات اعتراضی دی ماه ۱۳۹۶ و در ادامه تظاهرات آبان ماه ۱۳۹۸ برخورد سبعانه حکومت با مردم در خیزش آبان ماه که به کشته شدن بیش ۱۵۰۰ تن از مردم و دستگیری و زندانی شدن بیش از هفت هزار نفر انجامید، پرتاب موشک به هواپیمای مسافربری و کشته شدن ۱۷۶ سرنشین هواپیما و کتمان مسئولیت حکومت ایران در این کشتار به مدت سه روز و تداوم تظاهرات و اعتصابات کارگران و معلمان و

با تحریم فعال انتخابات فرمایشی، جنبش اعتراضی علیه جمهوری اسلامی را پرتوان‌تر سازیم

دو تشکل سیاسی و همبستگی برای آزادی و برابری در ایران در بیانیه‌ای مشترک انتخابات فرمایشی مجلس رژیم ایران را تحریم کردند. متن این بیانیه مشترک عینا در پی می‌آید: دعوت به تحریم انتخابات فرمایشی! با تحریم فعال انتخابات فرمایشی، جنبش اعتراضی علیه جمهوری اسلامی را پرتوان‌تر سازیم!

مردم آزاده ایران!

جمهوری اسلامی در تلاش است که بار دیگر شما را بر سر صندوق‌های رای بکشانند و به جهانیان وانمود کنند که از حمایت شما مردم ایران برخوردار است. علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، با آگاهی از نفرت عمومی از جمهوری اسلامی و اوضاع فلاکت‌باری که این رژیم بر کشور حاکم نموده‌است، نیاز حکومت به رای شما را به صراحت بر زبان آورده و از شما درخواست کرده‌است که اگر هم مخالف جمهوری اسلامی و شخص او هستید، ولی ایران را دوست دارید، به پای صندوق رأی بروید. اما نه جمهوری اسلامی مساوی با ایران است و نه شرکت برونرفت از مشکلاتی است که دامنگیر کشور شده‌است. امروز بزرگ‌ترین خطر برای آینده ایران، تداوم حیات این رژیم است. خامنه‌ای قصد دارد این حکومت جنایتکار را با رای شما برخوردار از مقبولیت مردمی جلوه بدهد. اما بخش‌های مهمی از جامعه‌ی ایران رای خود را با فریاد «نه، به جمهوری اسلامی» در خیزش‌های اعتراضی آنان و دی‌ماه و در خیابان‌ها اعلام کرده‌اید.

جمهوری اسلامی در شرائطی شما را به شرکت در انتخابات مجلس فرامی‌خواند، که هنوز چند ماه بیشتر از سرکوب اعتراضات گسترده‌ی آبان‌ماه ۱۳۹۸، در بیش از صد شهر و ۲۹ استان کشور نگذشته‌است و خون قربانیان این سرکوب بر سنگفرش خیابان‌ها باقی است. هنوز شمار دقیق صدها تن از کسانی که در جریان سرکوب خیزش آبان‌ماه جان باخته‌اند، اعلام نشده‌است و هزاران تن در زندان‌ها و زیر شکنجه و فشار بازجویان رژیم قرار دارند. هنوز کسی پاسخگوی شلیک سپاه پاسداران به هوایم‌ای اوکراین و قتل ۱۷۶ تن مسافر و خدمه‌ی آن نیست و با خودداری از ارسال دو جعبه‌ی سیاه هوایما از بیان علت اصلی

آن فاجعه دهشتناک طفره می‌روند. هم چنان هر صدای مخالف و منتقدی سرکوب می‌شود. فعالان جنبش‌های اجتماعی و نهادهای مدنی بازداشت و به زندان‌های طویل‌المدت محکوم می‌شوند. انتخابات در جمهوری اسلامی، هیچ‌گاه نه آزاد و نه دموکراتیک بوده‌است. جمهوری اسلامی طی چهل و یک سال گذشته همواره احزاب و جریان‌های مخالف و منتقد را سرکوب کرده و از مشارکت در سرنوشت کشور محروم نموده‌است. حق انتخاب شدن فقط منحصر به نیروهای درون حکومت بوده و هست. اما انتخابات پیش‌رو، از این نظر نیز، جزو بسته‌ترین آن‌ها در طول حیات این رژیم است. مهره‌ها را چنان چیده‌اند که از همین حالا روشن

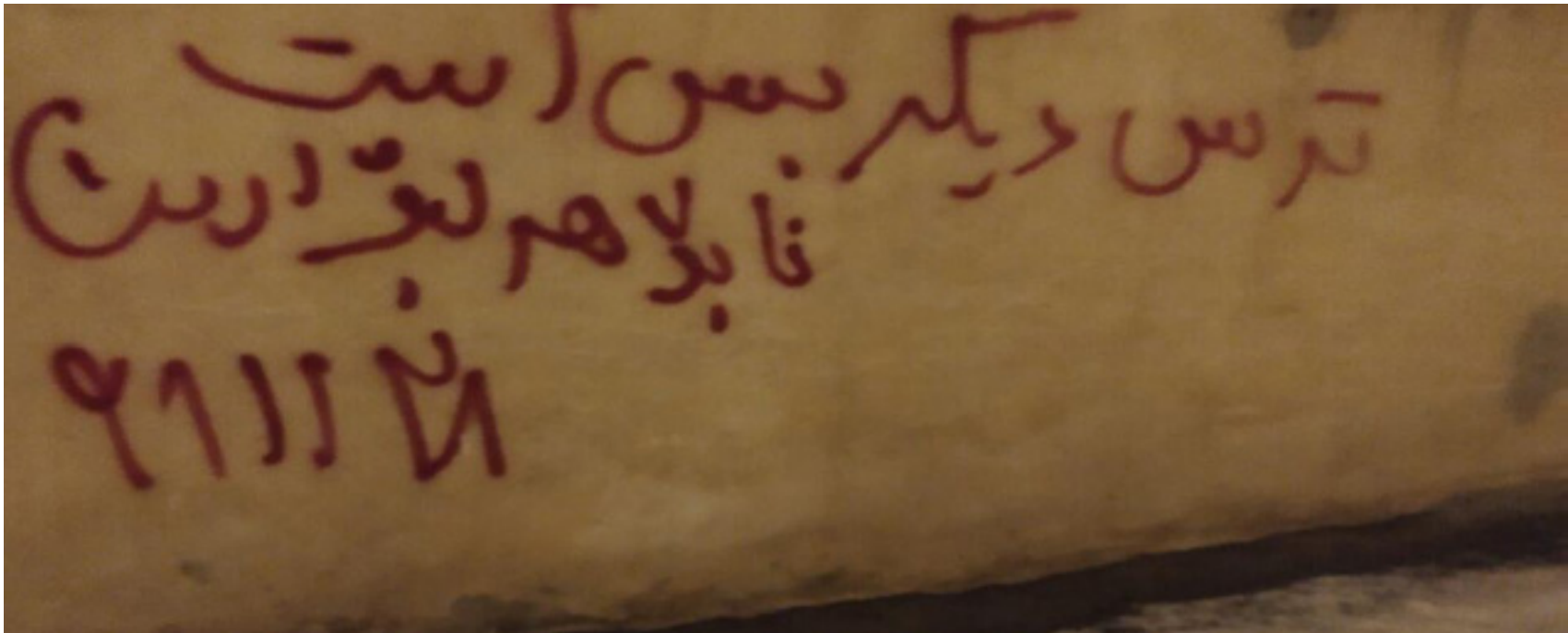
است که در اکثر حوزه‌ها چه کسانی از صندوق‌های رای بیرون خواهند آمد. سران رژیم قصد دارند مجلسی را تشکیل دهند که بیش از پیش، مطیع دستورات ولی فقیه و نیروهای نظامی - امنیتی تحت فرمان او باشد. آن‌ها می‌خواهند با برگزاری نمایش انتخاباتی و با رای شما در این شرایط، چهره‌ی کریه استبداد مذهبی و مستبد حاکم را مشروعیت بخشند. ما احزاب و سازمان‌های جمهوری‌خواه، دموکرات و مدافع آزادی و برابری، تحریم انتخابات فرمایشی مجلس شورای اسلامی را اقدامی در جهت تشدید مبارزه علیه جمهوری اسلامی و در ادامه‌ی جنبش اعتراضی مردم در دی‌ماه ۹۶ و آبان‌ماه ۹۸ می‌دانیم. ما معتقدیم که تحریم فعال

انتخابات فرمایشی مجلس، تلاش حکومت برای بهره‌گیری از رای شما را، در مشروعیت بخشیدن به سیاست‌هایی که کشور را به سوی فاجعه سوق می‌دهند، با شکست مواجه می‌سازد. با تحریم انتخابات فرمایشی، اعتراض خود علیه عدم کارآئی، فساد، رکود اقتصادی، تورم، بیکاری، فقر فزاینده، اختناق و سرکوب را اعلام کنید و با خالی گذاشتن حوزه‌های رای‌گیری، مبارزه علیه جمهوری اسلامی را پرتوان‌تر نمایید. در این راستا به درخواست سران رژیم پاسخ «نه» بدهید. نیروهای آزادی‌خواه!

عدم شرکت در انتخابات و اتخاذ سیاست تحریم فعال آن توسط نیروهای جنبش دموکراسی‌خواهانه‌ی مردم ایران،

هیات سیاسی اجرائی حزب چپ ایران (فدائیان خلق)
هیات سیاسی اجرائی اتحاد جمهوریخواهان ایران
همبستگی برای آزادی و برابری در ایران
(**اتحاد دموکراتیک آذربایجان - بیرلیک،**
جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران
حزب تضامن دموکراتیک اهواز،
حزب دموکرات کردستان ایران
حزب دموکرات کردستان
حزب کومه له کردستان ایران
حزب مردم بلوچستان
سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران،
شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران،
کومه له زحمتکشان کردستان
۲۵ بهمن ۱۳۹۸
۱۵ فوریه ۲۰۲۰

۱۷ زندانی سیاسی کورد با انتشار بیانیه‌ای خواهان تحریم انتخابات شدند



۱۷ زندانی سیاسی کورد که در زندان‌های ارومیه، خوی و کاشمر محبوس هستند، با انتشار بیانیه‌ای از خواست عمومی، برای تحریم انتخابات فرمایشی رژیم حمایت کردند. در بخشی از این بیانیه آمده است: "جمهوری اسلامی ایران که در عرصه سیاست‌های داخلی و بین‌المللی به بن‌بست رسیده و بحران مشروعیتش روز به روز عمیق‌تر می‌شود، بار دیگر در آستانه انتخابات به سراغ مردم آمده تا بدون در نظر گرفتن حافظه تاریخی به پای صندوق‌های رای بروند و این‌بار هم این کشتی درهم شکسته را به ساحل آرامش برسانند." در بخش دیگری از این بیانیه آمده است: "آنها از ما می‌خواهند که اعدام‌ها را فراموش کنیم و سراغی از محل دفن بی‌کفن خفتگانمان نگیریم. آثار شکنجه‌های مان را بپوشانیم و با تبسم در پای

صندوق رای حاضر شویم. خون‌هایی که در دی ۹۶ و آبان ۹۸ ریخته شده را فراموش کنیم و نام صدها کولبری که جانشان را برای نان ستانده‌اند از یاد

ببریم." این زندانیان سیاسی کورد در پایان بیانیه خود افزوده‌اند: "تحریم انتخابات هم‌اکنون به یک خواست عمومی در سراسر ایران تبدیل شده است و ما نیز در

حمایت از این خواست عمومی و همچون گذشته این انتخابات را تحریم می‌کنیم." امضاکنندگان این بیانیه عبارت‌اند از: "زینب جلالیان" در زندان خوی، "شاکر

باقی" در زندان کاشمر و "رحمی تورگوت، سیامک اشرفی، کامران درویشی، بشیر پیرماوانه، احمد تموتی، ابراهیم عیسی پور، علی احمد سلیمان، صابر

کمانی، پیمان میرزازاده، پرویز ناصری، فیروز موسی زاده، کمال حسن رمضان، حاتم ازدمیر، رحیم محمودی آذر و محمد میرزایی" در زندان ارومیه.

